



درس خارج اصول آیت الله اراکی دامت برکاته

عنوان درس:	خارج اصول فقه	جلسه ۵۹	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۱۱/۶
عنوان فرعی ۱	مقدمات تصدیقیه بحث حجج و امارات			
عنوان فرعی ۲	مباحث قطع			
عنوان فرعی ۳	تقسیم قطع موضوعی به لحاظ متعلق			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین محمد علی زحمت‌کش			

بحث ما در اخذ علم به حکم در موضوع همان حکم بود و تقریباتی برای امتناع این امر بیان کردیم همراه با نقض و ابراماتی که در آنها گفتیم. مرحوم آقای صدر رضوان الله تعالی علیه می‌فرماید ما می‌توانیم روشی را برای تحقق غرض از این مطلب پیشنهاد کنیم بدون اینکه این محذوها بار شود: غرض از اخذ علم به حکم در موضوع حکم، تخصیص حکم به عالمین به آن است. ما می‌توانیم این غرض را به نوعی از جعل تأمین کنیم که این محاذیر بر آن بار نشود. اساس این روش این است که آن حکمی که در موضوع اخذ می‌شود، با حکمی که مترتب بر آن موضوع می‌شود با یکدیگر متفاوت باشد یا به عبارتی دیگر وقتی می‌گوییم اخذ علم به حکم، در موضوع همان حکم؛ اگر بخواهد آن حکمی که علم به آن در موضوع حکم قرار می‌گیرد با آن حکمی که بر این موضوع بار می‌شود کاملاً و با دقت عقلی متحد باشند، دور لازم می‌آید؛ اما اگر ما توانستیم متوقف را با متوقف علیه، از این اتحاد کامل بیرون بیاوریم با تأمین آن غرض - اختصاص احکام به عالمین -؛ در این صورت هم غرض تأمین شده و هم محذور دور پیش نمی‌آید. برای این کار مرحوم استاد شهید دوروش ارائه می‌دهند:

روش اول:

علم به جعل حکم، در موضوع حکم مجعول اخذ شود یا بگوییم علم به حکم در مرتبه جعل، موضوع حکم در مرتبه مجعول بشود؛ مانند اینکه در «یجب الحج علی المستطیع» بگوییم در اینجا علم به حج برای مستطیع، در فعلیت این وجوب در حق مستطیع اخذ شده است یعنی اگر مستطیع، علم پیدا کند بر جعل حکم بر او، حکم در حق او فعلی می‌شود. ما از این روش اینگونه تعبیر می‌کنیم: علم به انشای حکم، در فعلیت حکم اخذ شود؛ یعنی شارع به مکلف خطاب کند که هرگاه علم پیدا کردی که من این حکم را انشاء

کرده‌ام، این حکم در حق تو فعلی می‌شود؛ در این صورت دیگر دوریت پیش نمی‌آید زیرا انشاء الحکم متوقف بر فعلیت نیست اما فعلیت الحکم متوقف بر انشاء الحکم شده است پس دوری وجود ندارد.

برای تبیین بیشتر روش استاد شهید، آن را در دو بند تبیین می‌کنیم:

۱. مقصود از مرحله جعل، مرحله انشاء الحکم است. انشاء الحکم متوقف بر تحقق خارجی شرایط حکم نیست و شارع می‌تواند حکمش را انشاء کند و شرایطی را هم در آن معتبر بداند و مثلاً بگوید: «المكلف ان استطاع، وجب الحج» که در اینجا حکم وجوب حج را انشاء کرده و در آن استطاعت را شرط کرده است. وقتی شرایط حکم در خارج موجود شوند؛ یعنی اولاً مکلف _ که موضوع حکم است _ موجود شود و بعد شرایط حکم در حق او موجود شوند، آنوقت مجعول متحقق می‌شود؛ بنابراین بین جعل و مجعول تفاوت وجود دارد.

۲. بعد از روشن شدن اینکه جعل و مجعول متفاوتند، اگر علم به جعل را در موضوع مجعول اخذ کنیم، دیگر دوریت لازم نمی‌آید زیرا دوریت لازم این بود که علم به آن حکمی که همان حکم مترتب بر این علم می‌شود در موضوع آن اخذ شود؛ در صورتی که با در اینجا علم به حکم در مرتبه جعل، در حکم در مرتبه مجعول اخذ شده لذا دوری اتفاق نمی‌افتد و متوقف با متوقف علیه متفاوت است.

بنابراین دوریتی لازم نمی‌آید و در عین حال غرض که اختصاص به عالمان است حاصل می‌شود.

اشکال مرحوم خویی

بنابر آنچه در تقریر آمده است استاد شهید می‌فرماید من این بیان را به مرحوم آقای خویی عرضه کردم اما ایشان نپذیرفتند و بر این مطلب اشکال کردند. بیان مرحوم آقای خویی در اشکال بر این مطلب را در سه بند توضیح می‌دهیم:

۱. مقصود از اخذ علم به حکم در موضوع حکم این است که علم به حکم یک مکلف، در موضوع حکم همان مکلف اخذ شود نه مکلف دیگری و الا خارج از بحث خواهد شد.

۲. جعل حکم برای هر مکلفی، متوقف بر شرایط آن جعل برای آن مکلف است و اگر جعل حکم برای مکلفی مشروط به شرایطی باشد، این جعل وقتی تحقق پیدا می‌کند که این شرایط برای مکلف حاصل شود زیرا فرض بر این است که جعل، مشروط به شرایطی است. مثلاً می‌گوید: «ان استطعت فحج» این استطاعت، شرط وجوب حج است و چون جعل مشروط به شرایطی است؛ یعنی جعل حکم برای این مکلف خاص مشروط به شرط است و اگر این شرط نباشد، جعل حکم برای مکلف اصلاً تحقق پیدا نمی‌کند.

خلاصه اینکه وقتی جعل حکم برای مکلف معین، مشروط به شرط معینی باشد، بدون تحقق شرایط، آن جعل تحقق پیدا نمی‌کند.

۳. بنابراین از آنچه گفتیم روشن می‌شود که مجعول _ که به تعبیر شما همان حکمی است که شرایط در آن تحقق پیدا کند _ همان جعل است و تفاوتی بین آنها وجود ندارد. زیرا فرض این است که جعل حکم برای

این مکلف، مشروط به شرط است لذا تا شرایط تحقق پیدا نکند، جعلی وجود ندارد و شما هم که می‌گویید با تحقق شرایط، مجعول تحقق پیدا می‌کند، بنابراین مجعول، همان جعل است و قبل از تحقق شرایط که جعلی برای مکلف وجود ندارد.

بنابراین اگر بخواهید علم به جعل را در موضوع مجعول اخذ کنید یعنی علم به جعل را در موضوع جعل اخذ کردید و باز هم دور وجود دارد.

جواب اشکال مرحوم خوئی

جوابهایی که بر این اشکال ذکر شده _ که جوابی در تقریر آقای هاشمی وجود دارد و جوابی در تقریر آقای حائری وجود دارد _ ؛ هر دو جواب مبهم‌اند. به نظر ما مقصود استاد شهید از جوابی که می‌دهد این است که ما می‌گوییم و اگر هم مقصود استاد شهید این جواب نباشد، جواب صحیح این جوابی است که ما می‌گوییم که به نظر ما مقصود استاد شهید نیز همین است گرچه در تقریر، عبارت مبهم است. جواب این است: جعل گاهی علی نحو قضیه الحقیقه است و گاهی علی نحو قضیه خارجی.

جعل علی نحو قضیه حقیقیه، هیچ توقفی بر تحقق موضوع ندارد؛ بلکه بر موضوع مفروض الوجود، جعل حکم بار می‌شود؛ می‌گوید: «یجب الحج علی المستطیع» یعنی «ان استطعت فحج» اینجا حکم که وجوب حج است بر موضوع مفروض الوجود بار شده یعنی بر مکلفی که فرض استطاعت او شده حکم بار می‌شود و این توقف بر وجود چنین مکلفی در خارج ندارد؛ زیرا قضیه، قضیه حقیقیه است و در قضایای حقیقیه، حکم روی موضوع مفروض الوجود می‌رود.

اما در قضایای خارجی، حکم روی موضوع محقق الوجود می‌رود؛ مثلاً به مکلف خطاب می‌کند و می‌گوید: «تو باید حج به جا آوری».

بنابراین اگر علم به قضیه حقیقیه در موضوع قضیه خارجی اخذ شود، دوری وجود ندارد؛ زیرا شارع می‌گوید اگر علم به جعل حکم علی نحو القضیه الحقیقه برای تو حاصل شد، حکم در حق تو علی نحو قضیه خارجی تحقق پیدا می‌کند. و مقصود ما از اینکه می‌گوییم اخذ علم به جعل در موضوع مجعول مشکل را حل می‌کند همین است یعنی اخذ به علم به قضیه حقیقه جعل، در موضوع قضیه خارجی جعل که همان مجعول است.